



بیش از ۸۶ دانش‌آموز داشت که ۲۶ نفر از آنان رایگان به تحصیل می‌پرداختند.

ماهرخ گوهرشناس دختر «حاجی میرزا جعفر» در سال ۱۲۸۸ قمری به دنیا آمد. او در انقلاب مشروطیت یکی از اعضای فعال انجمنی بود که در آن، زنان هم قسم شده بودند که برای احقاق حقوق زنان تلاش ورزند و در این راه حتا جان خود را فدا کنند. هر زنی که به این انجمن می‌پیوست به علامت مخصوص این انجمن مزین می‌شد. این علامت عبارت بود از یک حلقه‌ی انگشتر که دو دست به هم فشرده بر آن نقش بسته بود که این نشانه‌ای بود از همبستگی و اتحاد زنان با یکدیگر. ای گروه از زنان در حالی که همگی این حلقه را در دست داشتند در تظاهرات‌های گوناگون شرکت می‌جستند. در تظاهراتی که بر علیه استفاده از کالاهای خارجی و به منظور اعتراض بر علیه قرارداد ۱۹۰۷ - که ایران را رسماً تحت نفوذ انگلستان و روسیه قرار می‌داد - انجام گرفته بود این گروه از زنان و نیز ماهرخ گوهرشناس نقش فعالی داشتند. حرکت و فعالیت این انجمن زنانه نهایتاً سبب شد که مجلس از تسلیم در برابر خواسته‌های بریتانیا دست بردارد. ماهرخ با دیگر هم‌پیمانان خود به هر طریق ممکن بر علیه استفاده از کالاهای بیگانه فعالیت می‌کرد.

ماهرخ هم‌چنان عضو «انجمن مخدرات وطن» بود که در سال ۱۳۲۸ قمری توسط ۶۰ تن از زنان در تهران تأسیس شده بود. او بعد از سال‌ها تلاش و مقابله با مخالفت‌های خانوادگی و همسرش و مقاومت در برابر نیروهای بازدارنده و در جامعه بالاخره در سن هفتادسالگی در سال ۱۳۱۷ شمسی درگذشت.

منابع:

- «زن ایرانی» جلد دوم، بدرالملوک بامداد، ابن سینا، ۱۳۴۸
- «انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه» ژانت آفاری، ترجمه دکتر جواد یوسفیان، نشر بانو، ۱۳۷۷

نمی‌گذشت، او در سال ۱۳۲۹ قمری مدرسه‌ی دخترانه‌ی «ترقی بنات» را در خیابان ظهیرالاسلام بنیاد گذارد. او می‌دانست که شوهرش مخالف فعالیت‌های اجتماعی اوست بنابراین دو سال تأسیس مدرسه را از شوهرش مخفی نگه داشت. گوهرشناس با این که سواد اندکی داشت مدرسه را چنان با مهارت، عشق و ایمانی در خور ستایش، راهبری می‌کرد که مدرسه‌ی «ترقی بنات» به تدریج پیشرفت کرد. حتا روحانیون نوگرا نیز فرزندان‌شان را به آن مدرسه می‌فرستادند.

در مدرسه‌ی ترقی بنات برای اولین بار در تاریخ مدارس نوین، دختران و پسران در کنار یکدیگر تعلیم و آموزش می‌دیدند، اگر چه تا قبل از آن در سراسر ایران مکتب‌خانه‌هایی نیز وجود داشت که دختران و پسران با هم درس می‌خواندند به طوری که مثلاً در سال ۱۳۱۰ شمسی حدود ۶۴۰ مکتب‌خانه‌ی مختلط وجود داشت. اما تا آن زمان در مدارس به سبک نوین به دلیل فضایی که سنت‌گرایان به وجود آورده بودند، مؤسسان مدارس نوین جرأت نمی‌کردند که این کار را در مدارس خود باب کنند. اما ماهرخ گوهرشناس مدرسه‌ی ترقی بنات را به دبستانی مختلط تبدیل کرد و نیز از مردان برای آموزش در این مدرسه استفاده می‌کرد. برای نمونه «محمد مهران» دانشجوی دارالفنون، در این مدرسه تدریس می‌کرد.

ماهرخ گوهرشناس در مدرسه‌ی خود دخترانی را که توان مالی برای تحصیل نداشتند رایگان می‌پذیرفت، که از آن جمله می‌توان به «قدسیه حجازی» اشاره کرد که با کمک ماهرخ توانست به تحصیل خود ادامه دهد و بعدها به سمت وکیل دادگستری ارتقاء یابد. ماهرخ مدرسه‌ی ترقی بنات را به تدریج توسعه داد و با تشکیل یک دبیرستان، پسران را نیز برای آموزش می‌پذیرفت. مدرسه‌ی ترقی بنات در سال ۱۳۲۲ قمری یعنی ۳ سال بعد از تأسیس،

نوشین احمدی خراسانی

ماهرخ گوهرشناس

از نخستین پیشگامان آموزش نوین در ایران

«میرزا محمدباقر تاجر» در حالیکه بر سر و سینه می‌کوفت بر سر ماهرخ فریاد برآورد: «در آن دنیا وقتی پدرت از من بازخواست کرد که دخترم را به تو سپردم، چرا گذاشتی به کار خلاف دین و تقوا بپردازد و آبروی مرا ببرد چه جواب بدهم؟» ماهرخ می‌لرزید و از این که بعد از دو سال رازش در خانه برملا شده بود، نمی‌دانست چه کار باید بکند. همسرش از خشم و غضب سرخ شده بود. ابرهای تیره‌ی سنت‌های باز دارنده تنها از درون خانه و فقط از سوی مردان نبود که او را می‌آزرد بلکه چند روز قبل از افشای رازش در خانه، عده‌ای از هم‌جنسانش که مخالف فعالیت‌های او بودند، ماهرخ را ناسزاگوینان به چاله انداخته بودند. زخم خنجر این عمل زنان متعصب نه تنها تا آخر عمر بر قلبش نشست بلکه در نتیجه‌ی آن تا واپسین دم حیات از درد پا رنج بُرد.

با وجود این مشکلات، «ماهرخ گوهرشناس» همه‌ی این مصیبت‌ها را با روی گشاده تحمل می‌کرد؛ مصیبت‌هایی که به خاطر تأسیس مدرسه‌ی دخترانه به نام «ترقی بنات» متحمل می‌شد، مدرسه‌ای که برای تأسیس آن، رنج بسیار متحمل شده بود. در آن دوره‌ی وانفصا که دختران تشنه‌ی آموزش بودند و از تأسیس اولین مدارس دخترانه تنها ۲ - ۳ سالی بیش‌تر